

متن پرسش

سلام علیکم استاد: این متن را در یکی از شبکه های مجازی دیدم آیا درست است؟ لطفا توضیح دهید؟ صوفیان معتقدند عشق به صورت ها و مظاهر و مخلوقات زیبا، به خصوص پسران امرد و نوجوانان، همچون پل و صراطی برای رسیدن به خدا می باشد و اصطلاحاً می گویند:

#المجاز_قنطرة_الحقیقة یعنی عشق مجازی (عشق به مخلوقات زیبا) پلی به عشق حقیقی (خدا) است. جلال الدین همائی در این رابطه می گوید: حقیر معتقد است که عشق صورتی، در صورتی آبتن عشق حقیقی الهی است که حالت مرآتیت و بقول علما جنبه «ما به ينظر» داشته باشد نه جنبه «ما فيه ينظر»؛ و شاید آنچه به شیخ اوحد الدین ابو حامد احمد کرمانی متوفی ۶۳۵ هـ ق و اصحاب و پیروان او نسبت می دهند که خداپرستی و کمال انسانی را در جمال پرستی و شاهدبازی و عشق ورزی با خوب رویان می دانستند، محمول بر همین نظر «ما به ينظر» باشد که بدان اشاره کردیم؛ یعنی جمال جمیل حق را در آینه حسن صنع می دیدند. مولوی نامه؛ مولوی چه می گوید؟، ج ۲، ص: ۸۲۴ اکنون به بعضی از شاهدان اقطاب و بزرگان صوفیه اشاره می شود: ابن عربی عاشق صدرالدین قونوی بود. بایزید بسطامی، عاشق احمد بن خضرویه بود. حسین بن منصور حلاج عاشق پسر معتضد خلیفه بود. ابوالحسن خرقانی عاشق جوانی خوش سیما بوده که ابریق وضوی او را مهیا می داشت. ابوسعید ابوالخیر عاشق شاگرد امردش شده بود. خواجه عبدالله انصاری در زمانی که مشغول تحصیل علوم بود به جوانی زیباروی به نام ابواحمد دلبسته شد و جهت او اشعار بسیاری گفت. احمد جام یا ژنده پیل به پسر امیر نیشابوری تعلق خاطر داشت. اوحدی مراغه ای عاشق جوانی از دراویش حیدری بود که معرکه می گرفت و شعر عرفانی می خواند. شهاب الدین یحیی سهروردی (شیخ اشراق) عاشق پسر شهاب الدین عمر سهروردی صاحب کتاب عوارف المعارف و رئیس طریقت سهروردیه شده بود. سعدالدین حموی شیفته و دلباخته عین الزمان گیلانی بود. عطار نیشابوری صاحب کتاب مشهور تذکرة الاولیاء، شیفته پسر کلانتر نیشابور بود. نجم الدین رازی صاحب مرصاد العباد در همدان به جوان زرگری دلداده بود. سیف باخرزی عاشق پادشاه زیبای بخارا گرده بود. عزیز نسفی دلداده پسر یکی از امرای سلطان جلال الدین شده بود. جلال الدین محمد بلخی (مولوی) عاشق صلاح الدین زرکوب بود. شمس تبریزی عاشق سلطان ولد، فرزند مولوی شده بود و صریحاً او را از پدرش درخواست کرد! محمود شبستری را عاشق ابراهیم منظور نامی می دانند. سعدی به جوانی قصاب وابسته شده بود. سید علی همدانی (قطب کبرویه و ذهبیه) را عاشق صاحب جمالی و بهاءالدین نقشبند را دلباخته ترک تندخویی و حافظ شیرازی را عاشق پسر مفتی شهر دانسته اند. احمد

غزالی علاوه بر عین القضاة همدانی، به نوجوانان ترک و امرد علاقه بسیار داشت. عین القضاة همدانی عاشق جوانی زرگر بود و در کتاب تمهیدات ص ۷۴ می گوید: جانم فدای کسی باد که پرستنده شاهد مجازی باشد که پرستنده شاهد حقیقی، خود نادر است. شارح سطح یعنی روزبهان بقلی شیرازی در کهن سالی عاشق کودکی امرد شده بود که به او خدمت می کرد و عراقی در این رابطه می گوید: پیر شیراز شیخ روزبهان / آن به صدق و صفا فرید جهان داشت او دلبری فرشته نهاد / که رخس دیده را جلا می داد دیوان عراقی ص ۳۶۶ منبع : مجالس العشاق/سلطان حسین بایقرا شاهد بازی در ادبیات فارسی/ شمیسا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید که اولاً: علاقه مندی به انسان های وارسته و جوانان با ادب و طالب حقیقت، غیر از عشقی است که در این دوران مورد نظر است. ثانیاً: فرهنگ خاص عرفان، فرهنگ خاصی است، نه آن طوری که ذهن انسان های معمولی از زیبایی ها، تنها زیبایی های جسمانی را می یابند و فرشتگان مدبر آن زیبایی ها را نمی نگرند. به هر صورت به قول مولوی: «کار نیکان را قیاس از خود مگیر». موفق باشید